

چهارشنبه ۲ / ۹ / ۱۴۰۱ جلسه ۳۷

**موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / سجده بر مهر**

کلام ما در دومین شعائر بود که بحث سجده بر زمین یا هر آن چه از زمین می‌روید به شرط آن که خوراکی و پوشاکی نباشد، عرض شد در این زمینه یک ماده اتفاق داریم و اختلاف، اتفاق ما در این است که آن چه را ما بر آن سجده را جایز می‌دانیم آنها هم جایز می‌دانند اما آن اضافاتی که آن ها جایز می‌دانند ما جایز نمی‌دانیم. رابطه بین ما یصح السجود ما و آن ها عموم و خصوص مطلق است، دقت کنید که اولین حرف قبل از ورود در سایر حرف ها این است که بنابر این ما لازم نیست استدلالی اقامه کنیم، آن ها باید استدلال اقامه کنند که سجده بر ما سوای زمین و آن چه از زمین می‌روید، غیر خوراکی و پوشاکی ما سوای این هم سجده بر آن جایز است، یک امر وجودی را ادعا می‌کنند که جواز سجده باشند بر ماسوای آن که مورد اتفاق است.

**نکته دوم کلی**

هنگامی که ما تاریخ و روایاتی که آمده است را بررسی می‌کنیم به دو مرحله یقینی در تاریخ می‌رسیم، مرحله اول همانی هست که سجده بر زمین بوده است، زمین که می‌گوییم یعنی خاک، زمین که می‌گوییم یعنی سنگ، حجر، حصاء که این زمان ما به آن سنگ ریزه یا شن می‌گوییم، سجده بر این ها جایز بود، این مرحله اول، مرحله دوم به این خاطر که پیغمبر اکرم می‌فرماید بعثت علی الشریعه السمهة السهلة، پیامبر اکرم اجازه دادند که بر حُصْر یعنی این حصیر ها و بوریا ها، این هایی که از درختان اما خوراکی و پوشاکی نیست، استفاده بشود و سجده بر این ها هم جایز بشود، در تاریخ دیگر ما مرحله سوم نداریم که در تشریع توسط پیامبر اکرم تشریع شده باشد جواز سجده بر کور عمامه و کم و آستین لباس و امثال اینها، تشریعی برای این قضیه نداریم، این هم نکته دوم کلی.

**نکته سوم کلی**

عرض کردیم مسجودٌ له با مسجودٌ علیه این دو عنوان متفاوت است، ما سجده می‌کنیم بر خاک، نه سجده می‌کنیم برای خاک، همچنان که جواب نقضی شما سجده می‌کنید روی لباس، آیا برای لباس سجده می‌کنید؟ می‌گویند ما برای خدا سجده می‌کنیم روی لباس، علی اللبس، ما هم می‌گوییم که سجده می‌کنیم برای خدا روی خاک و مهر و روی سنگ و امثال این ها.

**نکته چهارم**

اگر ما به علم لغت مراجعه کنیم می‌بینیم که سجده را وقتی بیان می‌کنند، روایت هم داریم سجده باید بر هفت جزء باشد اما ابن منظور در لسان العرب می‌گوید سجد یسجد سجودا ای وضع جبهته علی الارض<sup>۱</sup>، پیشنهادش را روی زمین گذاشت، حتی در نهاد لغت سجده هم وضع الجبهة علی الارض است نه وضع الجبهة علی اللباس نه وضع الجبهة علی کور العمامه نه وضع الجبهة علی فرش و امثال این ها، اصلا در لغت ها این خصوصیت لحاظ شده است. ابن اثیر درنهایه اش می‌گوید سجود الصلاة و هو وضع الجبهة علی

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۹، ص ۸۱

الأرض<sup>۲</sup>، جبهه و پیشانی را آدم روی زمین بگذارد. تاج العروس می‌گوید سجد ای خضع و منه سجود الصلاة و هو وضع الجبهة على الأرض و لا خضوع اعظم منه و الاسم السجده بالكسر، مصدر سَجَدَ است، سایر آقایان را هم اگر مراجعه کنید می‌بینید لغویین به این سمت رفته اند.

پس مرحله اول این است که زمین، خاک و سنگ و این‌ها برای اصحاب به عنوان ما یصح السجود قرار داده شده است، شاهد قضیه یک بابی دارند در کتب روایی شان به نام باب تبرید الحصاة، یعنی سنگ (سنگ ریزه) اینقدر این سنگ‌ها داغ می‌شد که اصحاب می‌گفتند ما این‌ها را سرد می‌کردیم، مثلاً در مسند احمد (مسند احمد برای سنی‌ها سند است و نیاز به بررسی ندارد) جابر می‌گوید، قال كنت اصلى مع النبي الظهر، من نماز ظهر را با پیغمبر اکرم می‌خواندم فأخذ قبضةً من الحصاة، یک مشت از ریگ و سنگ ریزه توی دستم می‌گرفتم و اجعلها في كفي، ثم أحولها الى الكف الأخرى، این را می‌انداختم در این دست چپ، اینطوری می‌انداختم و اینطوری می‌کردم، حتی تبرد، تا اینکه سرد بشود، ثم اضعها لجبینی، این حصاة را برای پیشانی‌ام قرار بدهم، حتی اسجد عليها من شدة الحر، از شدت داغی یک کاری کنم که این‌ها سرد بشود تا بتوانم روی آن سجده کنم، می‌گوید و مدت‌ها اینگونه بود، (كنت اصلي) مدت‌ها اینطوری بود و من این‌گونه سجده‌ای را انجام می‌دادم.

اتفاقاً بیهقی عالم بزرگ سنی در کتاب سنن یک تعلقه‌ای بر این روایت جابر زده است و جالب است، می‌گوید قال الشيخ و لو جاز السجود على ثوب متصل منه، لكان ذلك اسهل من تبريد الحصاة، اگر جایز بود بر لباسی که متصل به مصلی و جابر هست، اگر می‌شد روی لباسش سجده کند که این اسهل بود از تبرید الحصاة بالكف، اینقدر این دست و آن دست کند تا در نهایت سرد بشود، لباس را قرار می‌داد و بر آن سجده می‌کرد، اسهل من تبريد الحصاة بالكف و وضعاً للسجود. لذا ما هم همین را عرض می‌کنیم، اگر اینطور بود همه اصحاب یک منديل و دستمالی یا یک فرش کوچولویی با خودشان حمل می‌کردند و همیشه یک تکه از سر عمامه خود را می‌بردند و می‌بردند به مصلی تا روی سنگ بگذارند و سرد باشد.<sup>۳</sup>

پس ما در عصر اول، اصلاً در روایات و حافظه تاریخ نمی‌بینیم استفاده البسه و فرش و امثال این‌ها را به عنوان سجده.

روایت دیگر، سنن کبری‌ای بیهقی می‌گوید کنا مع رسول الله في شدة الحر، انس می‌گوید او خادم پیغمبر است، کنا مع رسول الله في شدة الحر فيأخذ احداً من الحصاة في يده فاذا برد وضعه و سجد عليه. خباب بن أرت، می‌گوید شكونا الى رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم، شدة الرمضاء في جباهنا و أكفنا، پیامبر به حرف ما اعتنایی نکرد و ترتیب اثری ندارد. اگر سجده بر لباس جایز می‌بود و آورده بود ایشان جواز سجده بر لباس را، می‌گفت اشکالی ندارد اگر واقعا اذیت هستید، بروید روی لباس سجده کنید.<sup>۴</sup>

در همین مرحله این هم معروف است، روایت در کنز العمال متقی هندی و می‌گوید رأى النبي صهيياً يسجد كأنه يتقي التراب، مواظب بود که پیشانی‌اش روی خاک قرار نگیرد، یک چیزی بین خاک و لباس، فقال له ترّب وجهك يا صهيبي، همه از این وجوب

۲. النهاية في غريب الحديث والأثر، ابن الأثير، مجدالدين، ج ۲، ص ۳۴۲.

۳. السنن الكبرى، البيهقي، أبو بكر، ج ۲، ص ۱۵۱.

۴. السنن الكبرى، البيهقي، أبو بكر، ج ۲، ص ۱۵۱.

فهمیدند زیرا امر است و ظهور در وجوب دارد. سنی ها هم با ما مشکلی ندارند و می گویند عصر اول و زمان اول سجده بر روی خاک بوده است و ملاک همین است. موارد دیگری هم هست یا رباح ترُّب وجهک، یا فلاح ترُّب وجهک.<sup>۵</sup>

نکته سوم در آن اول امر به حسر العمامه عن الجبهه، حسر یعنی کنار زدن، بر طرف کردن، بر طرف کردن عمامه از پیشانی، یا دنباله عمامه را باز می کردند، وقتی به سجده می رفتند، این دنباله عمامه را روی زمین می انداختند و سجده می کردند، امیر مومنان سلام الله علیه، البته پیامبر اکرم سیره شان همین بوده است، به قول شما فعل اعم از وجوب و از قبول است، ان النبی کان اذا سجد رفع العمامه عن جبهته، عمامه اگر کمی پایین بود، بالا میدادند که بتوانند قشنگ سجده روی خاک کنند، اما روایت از امیر مومنان که شما به عنوان خلیفه چهارم هم قبول دارید، فرمود، اذا کان احدکم یصلی فلیحسر العمامه عن وجهه، عمامه را باید از روی صورتش کنار بزند، یعنی حتی لایسجد علی کور العمامه، تا اینکه بر این بندعمامه و قسمت عمامه سجده نکنند، این هم باز در کنز العمال.<sup>۶</sup>

روایت دیگر صالح بن حیوان سبائی، می گوید ان رسول الله رأى رجلا یسجد بجنبه و قد اعتم علی جبهته، پیامبر دیدند یک کسی کنارشان دارند نماز می خوانند، عمامه را روی پیشانی آورده بود، فحسر رسول الله عن جبهته، خود پیغمبر رفتند توی نمازش عمامه اش را از روی پیشانی بالا زدند که پیشانی هنگام سجده روی جبهه او واقع نشود، باز رأى رسول الله، این روایت ها همه با آدرس های معتبر است. رأى رسول الله رجلا یسجد علی کور عمامته فأوأمأ بیده، ارفع عمامتک و أوأمأ الی جبهته، گفتند این را روی خاک بگذار، امر هست، این را می خواهیم بگوییم که در صدر اول سجده فقط بر زمین و آن چه که از آن می روید و الی آخر، سیره پیامبر هم همین است که فراوان روایت هایی نقل کرده اند.<sup>۷</sup>

در همان زمان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، وائل بن حجر می گوید رأیت رسول الله یصلی فی کساء أبیض فی غداة بارقه یقی بالكساء برد الارض بیده و رجله، یعنی پیامبر اکرم این کار را می کردند و بعد می گوید در روز پر باران، سجد رسول الله فی یوم مطیر، حتی انی لأنظر علی اثر ذلک فی جبهته، من اثر باران را در پیشانی حضرت می دیدم، یعنی مقید بودند روی زمین سجده کنند و وقتی باران آمده تقریباً گل مال شده است، پیغمبر که سجده می کردند پیشانی شان گل مال می شد، این نشان می دهد که در عصر اول اینطوری بوده است و تابعین و صحابه هم اینگونه سجده می کرده اند.<sup>۸</sup>

عن ابی عبیده أن ابن مسعود لا یسجد الا علی الارض، این آن اول.

آن دوم ترخیص در سجده بر خمر و حصر هست، عن انس بن مالک قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله، یصلی علی الخمره، معلوم می شود یک زمانی آمده بود که سجده بر خمره جایز بود، با وجود این که سجده بر خمره جایز بوده است، و فضیلت در سجده بر مهر و خاک بوده است، در عین حال به خاطر این که به مردم تفهیم کنند و تثبیت کنند جواز سجده بر این ها را، روی این ها مدت

۵. کنز العمال، المتقی الهندی، ج ۷، ص ۴۶۵.

۶. کنز العمال، المتقی الهندی، ج ۸، ص ۱۳۱.

۷. شرح ابی داود، العینی، بدر الدین، ج ۴، ص ۵۹.

۸. نیل الأوطار، الشوکانی، ج ۲، ص ۳۰۲.

زمان طولانی سجده می‌کردند، می‌خواستند به مردم بفهمانند که سجده بر این‌ها جایز است، زیرا گاهی اهل بیت یک کاری را انجام می‌دادند که بفهمانند این کار حرام نیست ولو به طبع اولی این کار مکروه بوده است، از این طرف هم ولو افضل از این وجود داشته، اما انجام می‌دادند که تثبیت کنند جواز با این را، عبدالله بن عمر این را می‌گوید، ام سلیم، این را می‌گوید، میمونه این را می‌گوید، عایشه، ام سلمه، ابن عباس، انس بن مالک همین را می‌گویند.<sup>۹</sup>

ابو سعید خدری می‌گوید رأیته یصلی علی حصیر یسجد علیه، حصیر هایی که بافته بودند، پیامبر اکرم روی آن‌ها سجده می‌کردند و همینطور، این هم مرحله دوم، مرحله سوم، سجده بر ثياب لعذر هست. آیا سجده بر ثياب مطلقا اشکال دارد یا نه، در موقع عذر اشکال ندارد که ظاهرا وقت گذشته است.

۹. المسند الموضوعی الجامع للکتب العشره، صهیب عبد الجبار، ج ۱۰، ص ۲۶۸.